

دور یادور دنیا



فرانسہ / ژان-لوک لاگارس
در خانہ ام ایستادہ بودم
ومتظر بودم باران بیاید

ترجمہ تینوش نظم جو
باہمکاری مہشاد مخبری



France
Jean-Luc Lagarce
j'étais dans ma maison
et j'attendais que
la pluie vienne



نشرنی

«دور تا دور دنیا»، همچون تمام مجموعه‌هایِ دیگر؛ همان مقدمه‌ها، همان حرف‌ها و نوشته‌ها، هیچ حرفی برای گفتن، «نمی‌دانم، این رویاست، شاید رویاست، گمان نمی‌کنم، بیدار خواهم شد، در سکوت، دیگر نخواهم خوابید، خودم تنها، یا باز هم رویا، رویایِ یک سکوت، یک سکوت رویایی، پر از زمزمه‌ها، نمی‌دانم، همه‌اش کلمات، بیداری هرگز، فقط کلمات، چیز دیگری نیست، باید ادامه داد، فقط همین را می‌دانم، به زودی متوقف می‌شوند، این را خوب می‌دانم، حس می‌کنم، مرا رها می‌کنند، آن‌گاه همان سکوت، برای لحظه‌ای، چند لحظه ناب، یا همان رویایِ خودم، آن که ماندنی‌ست، آن که نماند، که هنوز می‌ماند، خودم تنها، باید ادامه داد، نمی‌توانم ادامه دهم، باید ادامه داد، پس ادامه خواهم داد، باید کلمات را گفت، تا زمانی که کلمه‌ای هست، باید آنها را گفت، تا وقتی که مرا ببابند، تا وقتی که مرا بگویند، درد عجیب، گناه عجیب، باید ادامه داد، شاید پیش از این انجام شده، شاید پیش از این مرا گفته‌اند، شاید مرا به آستانه قصه‌ام رسانده‌اند، روبه‌رویِ دری که به

قصه‌ام گشوده می‌شود، گمان نمی‌کنم، اگر باز شود، خود خواهم بود، سکوت خواهد بود، آنجا که هستم، نمی‌دانم، هرگز نخواهم دانست، در سکوت هیچ‌کس نمی‌داند، باید ادامه داد، نمی‌توانم ادامه دهم، ادامه خواهم داد.»^۱

تینوش نظم‌جو

مهدی نوید

شخصیت‌ها

پیرترین زن

مادر

دختر ارشد

دختر دوم

جوان‌ترین دختر

1. *L'innommable*, Samuel Beckett.